



هفته نامه صبح اندیشه
هفته نامه فرهنگی، خبری، اجتماعی و ادبی

چه چیزی را در سوریه متوجه شدیم؟
سقوط غیرمنتظره رژیم بشار اسد در
سوریه، توسط گروه هیئت تحریر الشام
به رهبری ابو محمد الجولانی، حتی
نویسنده اسلای زبک مترجم: حسن منلی

«صدای ناقوس عصر جدید در شام»
در پرسوال ترین روزهای خاورمیانه به
سر می بریم؛ و طبق معمول یک سر
مهدی تدینی

شنبه ۱ دی ماه ۱۴۰۳ - ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۴۶ - ۲۱ دسامبر ۲۰۲۴

شنبه ۱ دی ماه ۱۴۰۳ - ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۴۶ - ۲۱ دسامبر ۲۰۲۴

فراخوان مردمی دکتر محسن رنانی برای نجات اصفهان



۵۰ هزار هوادار بانو در ورزشگاه نقش جهان

فتح «نقش جهان» توسط زنان



• توزیع استان اصفهان
• نشریه در ویرایش و اصلاح مطالب آزاد است.
• اصل مطالب ارسال شده مسترد نمی گردد.
• Sobh . andisheh @ gmail . com
• عقاید و آرای صاحبان آثار، گفتار و مقالات
• لزوما دیدگاه این نشریه نیست.

هفته نامه فرهنگی، خبری، اجتماعی و ادبی
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: منیر سلطان پور
زیر نظر شورای سردبیری
شماره چهارصد و هشتاد و هشت، دی ماه ۱۴۰۳
آدرس: بلوار آزادگان، جنب ایران خودرو، پلاک ۲۰۴
تلفن: ۳۳۶۰۲۴۴۱

<https://goftemanandishemoaserpub.ir>

مهندس مسعود قنبری شهردار سین: خیابان ها شریان های حیاتی شهر هستند

مهندس مسعود قنبری شهردار
شهر سین:
خیابان ها شریان های حیاتی شهر
هستند

هفته نامه صبح اندیشه: مهندس
مسعود قنبری با تاکید بر اهمیت
خیابانها در زندگی شهری گفت: خیابان
ها شریانهای حیاتی شهر هستند که
بسیاری از امکانات دیگر را نیز فعال
کرده به زندگی شهری رونق می
بخشند. شهردار شهر سین با اشاره به
توجه شهرداری سین برای بهبود

به اهمیت نقاط ورودی شهرها، گفت
امیدواریم که میدان ورودی شهر سین
به یکی از میدان های جذاب برای
مسافران این شهر و شهروندان آن
تبدیل شود و بتواند بیاتر ویزگیهای
سخت کوشی و خلاقیت مردم شهر
گردد. وی از مردم برای همکاری در
آزادسازی خیابان ها نیز قدرانی کرد و
افزود: بدون همکاری مردم، شهرداری
حتی یک قدم هم نمی تواند بردارد.
در واقع سازنده اصلی شهر، خود مردم
شهر سین هستند و ما تنها زمینه انجام
آن را فراهم می کنیم.
وی ضمن قدرانی از وراث مرحوم علی
جبار و خانواده قربانی برای همکاری در

نگاه استراتژیک است. خیابانی که از
نظر استحکام، زیبایی و چشم انداز
شهری از وضعیت مناسبی برخوردار
باشد، امکان جذب سرمایه گذار در
بخش خدماتی را افزایش می دهد و به
کسب و کار روزانه مردم رونق می
بخشد. با همین رویکرد شهرداری شهر
سین تلاش گسترده ای را آغاز کرده
است تا راهها و خیابان های شهر سین
را ساماندهی کند و با نوسازی و
بهسازی آنها و نیز توجه به پیاده رو
سازی و محوطه سازی چهره شهر را به
چهره ای جذاب و مناسب زندگی برای
شهروندان تبدیل نماید.
شهردار سین که برای بازدید از روند

راههای منتهی به
شهر سین، خیابان ها
و کوچه های این شهر
اظهار داشت:
شهرداری شورای
شهر سین با اولویت
بندی افزایش راهها
و خیابانها و کوچه
های مطلوب و
بهسازی آنها تمرکز
فعالیت های خود را بر
زیرسازی و آسفالت
خیابانها و کوچه های
شهر گذاشته است.

تیم تخصصی
شهرداری بر این
عقیده است که راهها
و خیابانهای مناسب
به افزایش کیفیت
زندگی کمک می کند
و به اقتصاد شهر نیز
رونق می

بخشد. شهردار شهر سین اظهار داشت
نگاه عمرانی به خیابان، راه و جاده یک



اجرای آزادسازی و تعریض خیابان
طالقاتی گفت: ما قدران این خانواده و

جدول گذاری میدان ورودی شهر سین
در این محل حضور یافته بود به اشاره

چه چیزی را در سوریه متوجه نشدید؟

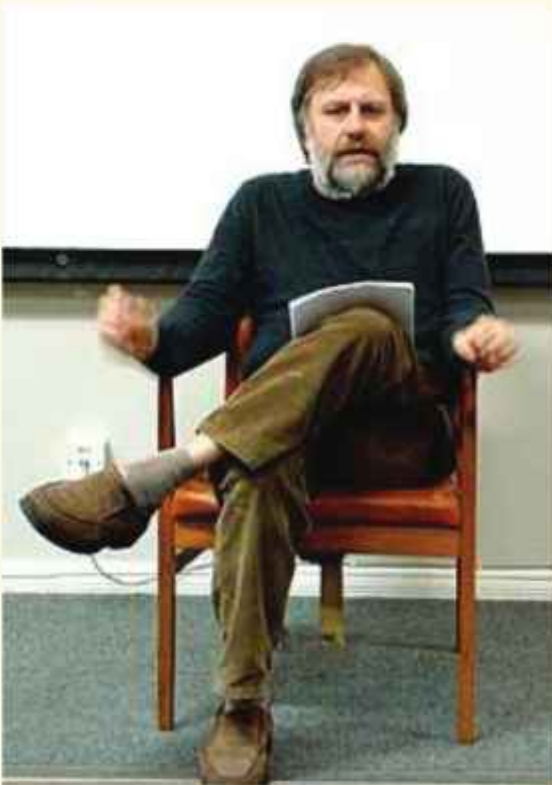
نویسنده: اسلاوی ژیزک

مترجم: حسین متقی

سقوط غیرمنتظره رژیم بشار اسد در سوریه، توسط گروه هیئت تحریر الشام به رهبری ابو محمد الجولانی، حتی برای نیروهای مخالف نیز غافلگیرکننده بود. این تحول پیش‌بینی‌ناپذیر، زمینه مساعدی را برای شکل‌گیری نظریه‌های توطئه فراهم کرده است. اسرائیل، ترکیه، روسیه و ایالات متحده چه نقشی در این بازگونی ناگهانی ایفا کردند؟ آیا روسیه صرفاً به این دلیل از مداخله برای حمایت از اسد خودداری کرد که توانایی مدیریت یک عملیات نظامی دیگر خارج از تئاتر اوکراین را نداشت، یا این تصمیم نتیجه توافق پشت پرده بود؟ آیا ایالات متحده بار دیگر در دام حمایت از اسلام‌گرایان علیه روسیه گرفتار شد و درس‌های تجربه حمایت از مجاهدین در افغانستان در دهه ۱۹۸۰ را نادیده گرفت؟ اسرائیل چه کرد؟ اسرائیل قطعاً از پرت‌شدن توجه جهانی از غزه و کرانه باختری استفاده کرده و حتی در حال تصاحب اراضی جدید در جنوب سوریه برای خود است.

مانند اکثر مفسران، من نیز پاسخی قطعی به این پرسش‌ها ندارم، به همین دلیل ترجیح می‌دهم بر تصویر بزرگ‌تر تمرکز کنم. یکی از ویژگی‌های عمومی این ماجرا، مشابه آنچه پس از خروج آمریکا از افغانستان و همچنین انقلاب ۱۹۷۹ ایران رخ داد، این است که هیچ نبرد بزرگ و تعیین‌کننده‌ای اتفاق نیفتاد. رژیم به‌سادگی مانند خانه‌ای پوشالی فروپاشید. پیروزی نصیب آن دسته‌ای شد که واقعاً آماده جنگیدن و مردن برای آرمان خود بودند.

این واقعیت که رژیم به‌طور عام مورد نفرت بود، به‌تنهایی آنچه رخ داد را توضیح نمی‌دهد. چرا مقاومت سکولار در برابر اسد از میان رفت و تنها بنیادگرایان مسلمان بودند که توانستند فرصت را غنیمت بشمرند؟ همین پرسش را می‌توان درباره افغانستان نیز مطرح کرد. چرا هزاران نفر حاضر بودند جان خود را به خطر بیندازند تا با هواپیما از کابل فرار کنند اما با طالبان مبارزه نکنند؟ نیروهای مسلح رژیم پیشین افغانستان تسلیحات بهتری داشتند، اما اساساً به آن نبرد متعهد نبودند.



هر کسی که آشنایی مختصری با مارکسیسم غربی داشته باشد، پاسخ روشن است. همان‌طور که فیلسوف مجارستانی، گئورگ لوکاچ استدلال می‌کند، مارکسیسم «به‌طرزی جهان‌شمول حقیقت دارد» دقیقاً به این دلیل که نسبت به موقعیت سوژکتیو خاص، «جزئی» است. آنچه فوکو در ایران به‌دنبالش بود — یعنی شکل زورآزمایانه (یا «جنگ‌سی») حقیقت‌گویی — از همان ابتدا در مارکس وجود داشت؛ مارکسی که معتقد بود مشارکت در مبارزه طبقاتی نه تنها مانعی برای دستیابی به دانش «عینی» از تاریخ نیست، بلکه پیش شرط دستیابی به آن است.

مفهوم پوزیتیویستی از دانش به‌عنوان تجلی آنچه فوکو به‌مثابه «اشکال صلح‌آمیز،

خنثی‌کننده و به‌هنجارسازنده قدرت به شکلی از «حقیقت‌گویی پارترانی و زورآزمایانه» متعهد بودند. آن‌ها به‌دنبال «تغییری از طریق مبارزه و آزمون سخت بودند، برخلاف اشکال صلح‌آمیز، خنثی‌کننده و به‌هنجارسازنده قدرت مدرن غربی، ... نکته اساسی برای درک این مسئله، مفهوم حقیقتی است که در حال کار است... مفهومی از حقیقت به‌عنوان یک امر جزئی، چنانکه مختص به پارتران‌ها است».

همان‌طور که خود فوکو بیان می‌کند: «اگر این سوزهای که از حق یا بهتر بگوییم، از حقوق (سخن می‌گوید، بیان‌کننده حقیقت است، آن حقیقت دیگر حقیقت جهان‌شمول فیلسوفان نیست ... این حقیقت به کلیت علاقه مند است تنها تا جایی که بتواند آن را یک جانبه ببیند، تحریف کند، و از منظر خود آن را بفهمد به بیان دیگر، این حقیقتی است که تنها از موضع مبارزه، از دیدگاه پیروزی موردنظر، و در نهایت، می‌توان گفت از منظر بقای خود سوز» سخنگو قابل بیان است. «آیا می‌توان این دیدگاه را به‌مثابه رژیم پیشین افغانستان تسلیحات بهتری داشتند، اما اساساً به آن نبرد متعهد نبودند.

که به بنیادگرایی دینی تکیه نداشته نباشد. او این را پیدا نکرد. بهترین توضیح برای اینکه چرا اکنون به نظر می‌رسد که دین انحصار تعهد جمعی و ایثار را در اختیار دارد، متعلق به بوریس یودن است. او استدلال می‌کند دین به‌مثابه یک نیروی سیاسی، بازتاب فروپاشی پسا-سیاسی جامعه است — یعنی از بین رفتن سازوکارهای سنتی‌ای که ضامن پیوندهای مشترک پایدار بودند. دین بنیادگرا صرفاً سیاسی نیست، بلکه خود سیاست است. دین بنیادگرا برای پیروانش صرفاً یک پدیده اجتماعی نیست، بلکه نفس یافتار جامعه است.

بنابراین، دیگر امکان تمایز میان جنبه صرفاً روحانی دین از سیاست‌زدگی آن وجود ندارد: در یک جهان پسا-سیاسی، دین مجرای است که از طریق آن احساسات ستیزه‌جویانه بازمی‌گردند. تحولات اخیر که به‌نظر می‌رسد پیروزی‌های بنیادگرایی دینی باشند، نمایانگر بازگشت دین به سیاست نیست، بلکه صرفاً بازگشت نفس امر سیاسی به‌طور کلی است. بنابراین مسئله این است که چه بر سر سیاست‌ورزی رادیکال سکولار (یعنی دستور بزرگ و فراموش‌شده مدرنیته اروپایی) آمده است؟ در غیاب آن سیاست، نوام چامسکی معتقد است که ما به سمت پایان جامعه سازمان‌یافته پیش می‌رویم — نقطه‌ای که پس از آن حتی قادر به اتخاذ تدابیر عقلانی برای «جلوگیری از تخریب فاجعه‌آمیز محیط‌زیست» نیز نخواهیم بود. چامسکی بر بی‌تفاوتی ما نسبت به محیط‌زیست تمرکز دارد، اما من دیدگاه او را به بی‌میلی عمومی ما برای مشارکت در مبارزات سیاسی تعمیم می‌دهم. اتخاذ تصمیمات جمعی برای پیشگیری از فاجعه‌های قابل پیش‌بینی، یک فرایند آشکارا سیاسی است.

مشکل غرب این است که به‌طور کامل از مبارزه برای یک آرمان مشترک بزرگ امتناع می‌کند. به‌عنوان مثال، «صلح‌طلبانی» که می‌خواهند جنگ روسیه در اوکراین را به هر قیمتی پایان ببخشند، در نهایت از زندگی راحت خود دفاع خواهند کرد و آماده‌اند اوکراین را برای رسیدن به این هدف قربانی کنند. حق با فیلسوف ایتالیایی، فرانکو براردی، است. ما در حال تماشای «فروپاشی جهان غرب» هستیم. (The End of the World as We Know It)

به بهانه زادروز کیومرث پوراحمد؛

پوراحمد نمی‌خواست با پولشویی فیلم تولید کند



ساخته او در بعد از انقلاب به سال ۱۳۵۹ برمی‌گردد که فیلم کوتاه «به ترتیب قه» را ساخت. ورود به سینمای کودک در همکاری با عباس کیارستمی پوراحمد در سال ۱۳۹۵ با دستکاری عباس کیارستمی در فیلم «خانه دوست کجاست؟» توانست تجربه‌های ارزنده‌ای در مسیر فیلمسازی برای کودک دست یابد و به پشتوانه همین تجربه بود که فیلم «بی بی چلچله» را ساخت و در اواخر دهه ۶۰ و آغاز دهه ۷۰ با «قصه‌های مجید» نوشته هوشنگ مرادی کرمانی، برای کودکان ایران بعد از جنگ تحمیلی به ارمنان آورد. ساخت فیلم «خواهران غریب»، سریال معمایی «سرنخ»، «شب یلدا»، «گل یخ»، «توبوس شب»، «۵۰ قدم آخر»، «گفته‌های کو»، «تغ و ترمه» و «پرونده باز است» را در کارنامه خود به جای گذاشت. همچنین پوراحمد زندگی‌نامه خود را در کتابی تحت عنوان «کودکی نیمه‌تمام» منتشر کرد. مرگ هولناک و البته مشکوک آن در فروردین ۱۴۰۲ داغ بزرگی است که بر دل بسیاری از سینما دوستان و عموم جامعه هنری و مردم باقی مانده است.

از دستگیری نادر ابراهیمی تا فیلمسازی در کانون

پوراحمد از سال ۱۳۵۳ با دستگیری نادر ابراهیمی به عنوان کارگردان مجموعه تلویزیونی «آتش بدون دود» کار خود را آغاز کرد. او در سال ۱۳۵۵ با مجوز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فیلم کوتاه «هدف» از داستان‌های بهرام صادقی را ساخت و در ادامه فیلم‌های «زنگ اول» و «زنگ دوم» را برای کانون ساخت و جایزه بهترین فیلم کوتاه جشنواره جهانی کودک همان سال را دریافت کرد.



این فیلمساز فقید سینمای ایران در سال‌های نزدیک به انقلاب اسلامی در ایران، فیلم «هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق» درباره تمین یاغچه بان، مستند تلویزیونی «خلیج فارس»؛ جغرافیای فقر و غنا» را ساخت و در سال ۱۳۵۸ برای کارگردانی فیلم «آواز خوان» جایزه بهترین فیلم زنده حرفه‌ای از جشنواره کودک ایران و دیپلم افتخار دانشکده هنرهای دراماتیک را دریافت کرد و نخستین

پوراحمد نمی‌خواست با پولشویی‌های رایج فیلم تولید کند همانطور که پیش‌تر نوشته شد، کیومرث پوراحمد کار نقدنویسی خود را با مجله سینمایی فیلم شروع کرده و در طول سال‌ها فعالیت این مجله با سه نفر از صاحبان قلم در عرصه مطبوعات از جمله مسعود مهرابی، عباس باری و هوشنگ گلیمانی؛ او توانست در عرصه نقد نویسی هم آثار مهمی را از خود به جای بگذارد.

در همین راستا عباس یاری روزنامه نگار و سردبیر مجله فیلم و فیلم امروز درباره پوراحمد گفت: با توجه به شناختی که از کیومرث دارم می‌دانم عرصه کار حرفه‌ای هم در حوزه فیلمسازی، هم داستان و هم نقدنویسی برای او بسیار جدی بود. زمانی که برای مجله فیلم سفارش مطلب می‌دادیم او با دقت و صرف زمان مناسب برای نوشتن مطلب را به سرانجام می‌رساند گاهی برای نوشتن یک مطلب تا صبح نمی‌خوابید. او در هیچ کاری کم نمی‌گذاشت. در پشت صحنه‌های فیلم مجید دیده‌ایم که او مدام سر صحنه حاضر است و قبل از اجرا پلان به پلان فیلم را تمرین می‌کند.

نماید که او از فضای ناجوانمردانه عالم رسانه هنگام نمایش فیلم‌های خود در برج میلاد یا جشنواره‌های سینمایی بسیار آزاده خاطر بود.

کیومرث دل بزرگی داشت

این منتقد صاحب نام سینمای ایران در ادامه صحبت‌های خود با اشاره به ویژگی اخلاقی پوراحمد گفت: کیومرث دل بزرگی داشت او وقتی شاهد پیشرفت فردی بود تشویق‌اش می‌کرد و یا برای تشویق او مطلبی می‌نوشت اما هیچگاه مطلبی علیه فردی نمی‌نوشت و اندیشه آدم‌ها برای او مهم بود که گاهی در مقام دفاع برمی‌آمد و بهترین مطالب را درباره افراد می‌نوشت.



عباس یاری خاطرنشان کرد: از نگاه من او تنها فیلمساز نبود بلکه یک نویسنده آگاه و اهل نظر بود که ای کاش بیش از این کنار سینما و عالم داستان‌نویسی می‌ماند.

بازیگر نقش مجید: کیومرث پوراحمد پدر معنوی من بود

مهدی باقری یکی از بازیگر مجموعه تلویزیونی «قصه‌های مجید» را نسل دهه ۶۰ و نیمه دهه ۷۰ به خوبی می‌شناسد. پسر بچه‌ای جسور با سری بزرگ و آرزوهای متعلق به دوران کودکی که از دل داستان‌های هوشنگ



مردای کرمانی برآمد. قصه‌ای که با کارگردانی کیومرث پوراحمد به تصویر کشیده شد. او با بیان این مطلب که کیومرث پوراحمد پدر معنوی من بوده است؛ بیان کرد: روح آقای پوراحمد و بی بی عزیزم شاد و حیف که قدر این فیلمساز شهیر در سینمای ایران به قدر کفایت دانسته نشد.

بازیگر «قصه‌های مجید» اظهار داشت: کیومرث پوراحمد روح بزرگی داشت و در عرصه سینما با تلاش و عشق بسیار وارد و به اصطلاح خاک صحنه خورده بود و دوست داشت که آموخته‌های خود را بدون منت و چشم‌داشت در اختیار جوانان علاقمند به سینما و هنر نویسنده‌گی بگذارد.

سریال اقتباس شده از رمان بزرگ مارکز با اقبال روبه‌رو شد به تماشای صد سال تنهایی

چندی پیش نقلیکس از عر ضه فصل اول سریال» صد سال تنهایی «بر اساس رمان گابریل گارسیا مارکز، نویسنده بزرگ کلمبیایی، در اواخر پاییز خبر داد و اشتیاق علاقه‌مندان سینما و ادبیات را برانگیخت .حالا بخش این مجموعه آغاز شده و در مدت‌زمان کوتاهی توانسته توجهات زیادی را به خود جلب کند .این اقتباس یکی از بزرگ‌ترین تولیدات تاریخ تفلیکس به حساب می‌آید که از ماه مه تا دسامبر ۲۰۲۳ در ۱۵ شهر مختلف کلمبیا فیلم‌برداری شده است . بازیگرانش عمدتا نوظهور هستند ولی یک تیم چندصدنفره و بیش از ۲۰هزار سیاهی‌لشکر در ساخت آن نقش داشته اند.

به تماشای صد سال تنهایی

الکس گارسیا لویز، سینماگر متولد آرژانتین و لورا مورا اورتگا، کارگردان کلمبیایی، ۸قسمت فصل اول را کارگردانی کرده‌اند. یعنی برخی قسمت ها را لویز ساخته و برخی را اورتگا جلوی دوربین برده و رودریگو گار سیا و گونزالو گار سیا بارچا، پسران مارکز، نیز ازجمله عوا مل اجرایی این پروژه بوده‌اند.

این سریال با سطرهای نخستین کتاب « صد سال تنهایی «آغاز می شود که می‌گوید» سال‌ها بعد، هنگامی که سرهنگ ائورلیانو بوئندیا در مقابل سربازانی که قرار بود تیربارانش کنند ایستاده بود، بعدازظهر دورد ستی را به یاد آورد که پدرش او را به کشف یخ برده بود .»در اولین قسمت چگونگی شکل‌گیری شهر افسانه‌ای ماکاندو روایت می‌شود و شهر مخاطب، رمان مارکز را خوانده باشد ناخوداگاه تصاویر ذهنش را با سریال تطبیق می‌دهد. که در آن خوزه آر کادیو بوئند یا و اورسولا ایگوران در جست‌وجوی خوشبختی هستند .داستان درباره خوزه و اورسولاست که در برابر مخالفت‌های والدینشان ازدواج کرده و روستایشان را ترک می‌کنند تا در جایی دیگر خوشبختی را جست‌وجو کنند. آنها کسان دیگری را با خود

همراه می‌کنند و در طول مسیر و در کنار یک رودخانه آرمانشهری می‌سازند و نامش را ماکاندو می‌گذارند.

کلودیو کاتانو، بازیگر نقش سرهنگ ائورلیانو، می‌گوید بر عهده گرفتن این نقش افتخار و ریسک بوده و ماکوندو و شخصیت‌های فراوانش را با تمام وجود احساس کرده است .الکس گارسیا لویز نیز گفته است: «کارگردانی این پروژه هم چالش و هم ماجرا جویی بوده و معتقدم در زندگی، پذیرش ریسک‌ها ضروری است تا به کاری که انجام می دهیم معنا ببخشیم .وقتی به اقتباس صد سال تنهایی وارد شدم، هدفم خلق چیزی اصیل بود که ویژگی یک تولید بین‌المللی را داشته باشد، زیرا این داستان سزاوار آن است .«لورا مورا اورتگا هم گفته است» ببه عنوان یک فیلم‌ساز و یک کلمبیایی، کار روی پروژه‌ای به این پیچیدگی، برای من افتخار و چالش بزرگی بوده است .ما همیشه تلاش کرده‌ایم تفاوت زبان‌های آرژانتین و لورا مورا اورتگا، کارگردان ادبی و تصویری را درک کنیم و تصاویری بسازیم که زیبایی، شعر و عمق اثری را که بر کل جهان تأثیر گذاشته، در خود داشته باشند .ما این کار را با عشق و احترامی فراوان به رمان صد سال تنهایی و با حمایت یک تیم استثنایی انجام داده‌ایم .»

گردونه شانس رو بچرخون اکلی جایزه ببر

نشریه اکونومیست اخیرا در مطلبی نوشته که براساس برآورد گابریل گارسیا مارکز» صد سال تنهایی « ۱۰۰ساعت نیاز دارد تا به اقتباسی در ست و مناسب برای سینما تبدیل شود و معتقد بود این فیلم باید در کلمبیا فیلم‌برداری شود و به طور کامل به زبان اسپانیایی باشد . نقلیکس، با احترام به مارکز، دو مورد از این سه خواسته را اجرا کرده و به خود می‌بالد که اقتباسش از رمان مارکز یکی از جاه‌طلبانه‌ترین تولیدات سینمایی در تاریخ آمریکای لاتین است .در این مطلب توضیح داده شده که جاه‌طلبانه مترادف گران است و نقلیکس اگرچه بودجه خود را فاش نکرده اما ادعا کرده این سریال گران قیمت‌ترین سریالی است که تا به حال

در منطقه ساخته شده است .در این مطلب آمده است: «این کتاب به دو دلیل چالش بزرگی برای فیلم‌سازان ایجاد می‌کند؛ یکی اینکه در تاریخ ادبی جایگاهی دارد و از نظر بسیاری بهترین رمان قرن بیستم است .زمانی که خبر ساخت سریال برای اولین بار اعلام شد، طرفدارانش به سرعت ترس خود را از اقتباس ساده و کارتونی یک داستان پیچیده ایراز کردند و این گفته ها به آزمون دیگری برای تولیدکنندگان تبدیل شد.»

در ادامه آمده است: « نکته دوم پیچیدگی محض رمان است .این کتاب که در حدود سال‌های ۱۸۵۰ تا ۱۹۵۰ می‌گذرد، بخت و اقبال خانواده بوئندیا را در چندین نسل، نشان می دهد و زمان در این داستان مانند چرخشی است که تکرارهای اجتناب ناپذیری را تولید می‌کند ،شخصیت های مرد این داستان همگی نام‌هایی دارند که ترکیبی از خوزه، آرکادیو یا اورلیانو هستند .حتی اتفاقات غیرعادی تری نیز وجود دارد .«اکونومیست نوشته است: «شخصیت‌ها می‌میرند و به عنوان ارواح برمی‌گردند .یک مرد به طور دائم تو سط یک کالیدو سکوپ از پروانه‌های زرد احاطه شده است . دیگری سرش را می شکافد، نه خون، بلکه» روغن کهربایی رنگ آمیخته با عطر مخفی .«این رئالیسم جادویی می تواند در یک فیلم یا سریال بسیار جذاب باشد اما خطر این ژانر ادبی این است که می‌تواند به طرز عجیبی در صفحه نمایش غیرقابل‌قبول به نظر برسد .ولی سازندگان این مجموعه، عجیب بودن داستان را به تصویر کشیدند، جایی که وقایع در آن فوق العاده عجیب و در عین حال عادی هستند .»

فصل اول این سریال در حالی بخش شده که در ایران هم از فیلمو در دسترس قرار گرفته است .برصدها نشان می‌دهد اکثر تماشاگران این مجموعه از فصل اول استقبال کرده‌اند و به شدت از آن راضی بوده‌اند .با توجه به ساختار و تفاوت رمان و این سریال، این اتفاق را باید یک موفقیت بزرگ در صنعت سریال‌سازی جهان به شمار آورد.

تجدید حدود اختصاصی

شماره: ۱۰۲۴۲-۲۰۶۰۱۰۲۴۲
چون تجدید حدود شش دانگ یک قلمعه زمین بنابر پلاک ۱۲۱٫۹۸ واقع درخمیتی‌شهر بخش ۱۲ اصفهان که طبق پرونده ثبتی بنام حسنعلی وطنخواه فرزند علی مالک شش‌دانگ در جریان ثبت است به علت عدم حضور متقاضی ثبت به عمل نیامده اینک بنا به دستور قسمت اخیر ماده ۱۵ قانون ثبت و بر طبق تقاضای نامبرده تجدیدحدود مالک مرقوم در روز سه‌شنبه ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ ساعت ۹ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد و در صورت مصادف با تعطیلی عملیات تجدید روز بعد از تعطیلی انجام می‌پذیرد. لذا به موجب این آگهی به کلیه مالکین و مجاورین اخطار می‌گردد که در روز و ساعت مقرر در محل حضور یابند. اعتراضات مالکین یا مجاورین مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تجدیدی تا سی (۳۰) روز پذیرفته خواهد شد. سیدمحمدحسن مصطفوی سرپرست واحد ثبت ملک خمینی شهر ۱۸۴۵۸۰

تجدید حدود اختصاصی

شماره: ۱۰۲۴۲-۲۰۶۰۱۰۲۴۲
چون تجدید حدود شش دانگ یک باب کاهدان پلاک ۱۷۰ فرعی از ۸۵ اصلی واقع در بخش ۱۴ خمینی‌شهر بخش ۱۴ اصفهان که طبق پرونده ثبتی خاتم سیمیه صباغیان خوزانی فرزند اسد که ملی ۱۱۴۱۳۳۳۶۱ در جریان ثبت است به علت عدم حضور متقاضی ثبت به عمل نیامده اینک بنا به دستور قسمت اخیر ماده ۱۵ قانون ثبت و بر طبق تقاضای نامبرده تجدیدحدود مالک مرقوم در روز سه‌شنبه ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ ساعت ۹ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد و در صورت مصادف با تعطیلی عملیات تجدید روز بعد از تعطیلی انجام می‌پذیرد. لذا به موجب این آگهی به کلیه مالکین و مجاورین اخطار می‌گردد که در روز و ساعت مقرر در محل حضور یابند. اعتراضات مالکین یا مجاورین مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تجدیدی تا سی (۳۰) روز پذیرفته خواهد شد. سیدمحمدحسن مصطفوی سرپرست واحد ثبت ملک خمینی شهر ۱۸۴۸۰۵۱

تجدید حدود اختصاصی

شماره: ۱۰۲۴۲-۲۰۶۰۱۰۲۴۲
چون تجدید حدود شش دانگ یک باب خانه پلاک ۲۳۶۲ فرعی محزی شده از ۱۹۸ فرعی از ۱۲۰ اصلی واقع درخمینی‌شهر بخش ۱۴ اصفهان که طبق پرونده ثبتی بنام زاهر صالح ورنوسافدانی فرزند اسدالله در جریان ثبت است به علت عدم حضور متقاضی ثبت به عمل نیامده اینک بنا به دستور قسمت اخیر ماده ۱۵ قانون ثبت و بر طبق تقاضای نامبرده تجدیدحدود مالک مرقوم در روز یک-شنبه ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ ساعت ۸ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد و در صورت مصادف با تعطیلی عملیات تجدید روز بعد از تعطیلی انجام می‌پذیرد. لذا به موجب این آگهی به کلیه مالکین و مجاورین اخطار می‌گردد که در روز و ساعت مقرر در محل حضور یابند. اعتراضات مالکین یا مجاورین مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تجدیدی تا سی (۳۰) روز پذیرفته خواهد شد. سیدمحمدحسن مصطفوی سرپرست واحد ثبت ملک خمینی شهر ۱۸۴۸۰۹۱

تجدید حدود اختصاصی

شماره: ۱۰۵۲۸-۱۰۲۴۲-۲۰۶۰۱۰۵۲۸
چون تجدید حدود شش دانگ یک درب باغ پلاک ۲۲۹ فرعی محزرا شده از ۹۱ اصلی واقع درخمینی‌شهر بخش ۱۴ اصفهان که طبق پرونده ثبتی بنام محسن عروسی فرزند بهرام نسبت به شش‌دانگ در جریان ثبت است به علت عدم حضور متقاضی ثبت به عمل نیامده اینک بنا به دستور قسمت اخیر ماده ۱۵ قانون ثبت و بر طبق تقاضای نامبرده تجدیدحدود مالک مرقوم در روز یک‌شنبه ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ ساعت ۹ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد و در صورت مصادف با تعطیلی عملیات تجدید روز بعد از تعطیلی انجام می‌پذیرد. لذا به موجب این آگهی به کلیه مالکین و مجاورین اخطار می‌گردد که در روز و ساعت مقرر در محل حضور یابند. اعتراضات مالکین یا مجاورین مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تجدیدی تا سی (۳۰) روز پذیرفته خواهد شد. سیدمحمدحسن مصطفوی سرپرست واحد ثبت ملک خمینی شهر ۱۸۴۸۱۴۲

فراخوان مردمی دکتر محسن رنانی برای نجات اصفهان پس از سبزوار. خیزش نهادهای مدنی ایران برای توسعه به اصفهان رسید؛ پویش ۲۶ تا ۲۹ آذر

فراخوان محسن رنانی به کارآفرینان و سازمان‌های مردم‌نهاد اصفهان برای نجات شهرشان / دولت‌ها، توان و امکان ندارند

کارآفرین برجسته شهرمان (مسعود



صرامی) طرحی داده است که اگر همه همراهی کنیم، آلودگی مدیریت می‌شود و امید به احیای زنده‌رود، زنده خواهد شد. نهادهای مدنی، سمن‌ها و نهادهای بخش خصوصی بسیج شده‌اند و مقامات دولتی نیز قول همکاری نیز فراهم کرده‌اند. طراحان پیش‌بینی کرده‌اند که با اجرای کامل این طرح، ترافیک شهری اصفهان ۳۰ درصد کاهش خواهد یافت و روزانه یک میلیون لیتر بنزین، صرفه‌جویی و آلودگی هوا نیز به‌طور متناسب کاهش خواهد یافت.

گروه ادبیشه:به گزارش خبرگزاری **خبرآنلاین**، همین‌چندی پیش بود دکتر **مهران صولتی** اعلام کرد که انجمن‌های مدنی شهر ۱۲ هزار ساله سبزوار را آباد می‌کنند. این خبر چشم‌نوازی بود مبنی بر این‌که با همه سخت‌گیری‌ها، بیدر نهادهای مدنی به رویش خود با جهت‌گیری توسعه و آبادانی ادامه می‌دهد. سخنان صولتی هرچند مربوط به یک شهر می‌شد، با این‌همه به دلیل اهمیت مشارکت‌نخبگان و انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد محلی در توسعه شهری، و توسعه پایدار کشور، از سوی مدیریت‌خبرآنلاین به‌صورت ویژه و در صفحه اول به‌عنوان تیتربیک گنجانده شد. این گزارش در کانال‌های مختلف عمومی و نخبگان کشور از جمله کانال ترافیک شهری اصفهان ۳۰ درصد

ترافیک شهری اصفهان ۳۰ درصد

ترافیک شهری اصفهان ۳۰ درصد

ترافیک شهری اصفهان ۳۰ درصد

ترافیک شهری اصفهان ۳۰ درصد

روشناسایی

کاهش خواهد یافت و روزانه یک میلیون لیتر بنزین، صرفه‌جویی و آلودگی هوا نیز به‌طور متناسب کاهش خواهد یافت. دولت تعهد کرده است که منافع حاصل از صرفه‌جویی این بنزین را به‌صندوقی بریزد تا صرف مدیریت آلودگی، ترویج خودروهای عمومی برقی و احیای زنده‌رود شود.



تنها اگر اصناف و معازده‌داران، کارمندان دولتی و کارکنان بخش خصوصی (که صبح با خودروی شخصی به سرکار می‌روند و تمام روز خودروی آن‌ها کنار خیابان پارک است و موجب کمبود جای پارک برای سایر شهروندان و افزایش ترافیک می‌شوند) برای رفتن به سرکار، خودروی شخصی به خیابان‌ها نیاورند و دیگر شهروندان نیز خودروی تک‌سرنشین سوار نشوند، این طرح موفق خواهد شد. این کار شدنی است، اگر همه‌ما به اصفهان متعهد باشیم، من چند سال است خودروی شخصی ندارم و با دوچرخه و حمل‌ونقل عمومی آموشد می‌کنم؛ دشواری دارد اما اختلال آزارنده‌ای ندارد. اگر اصفهان را دوست داریم باید برایش فداکاری کنیم.

فرست تبدیل کنیم؟ پاسخ این پرسش را در روزهای ۲۶ تا ۲۹ آذر خواهیم گرفت. سه روز همکاری داوطلبانه نمایین خواهیم داشت و پس از آن نیز با سازوکارهای قانونی و بهره‌مندی از فناوری هوشمند مدیریت ترافیک، پارک بی‌رویه و طولانی مدت در حاشیه خیابان‌ها **مدیریت خواهد شد**.

در این سه روز به‌طور نمادین و برای تمرین مشارکت مدنی، با خودروی شخصی به سرکار نمی‌رویم، تک‌سرنشین تردد نمی‌کنیم، دوچرخه سوار می‌شویم، صبح به دنبال همکاران خود می‌رویم و مسافران کنار خیابان را سوار می‌کنیم. سه روز همکاری و رفتار همدلانه در آموشد شهری، نشانه شایستگی‌های ما برای موفقیت‌های جمعی بزرگ‌تر خواهد بود. با مشارکت در پویش ۲۶ آذر، «هوای اصفهان را داشته باشیم».

فتح نقش جهان توسط زنان ۵۰هزار هوادار بانو در ورزشگاه نقش جهان



آغاز یک حرکت منحصر به‌فرد از اصفهان به نفع زنان حرکت معناداری است که چشم‌انداز آینده را مشخص می‌کند. دوشنبه بیست و ششم آذر ۵۰ هزار نفر از هواداران بانو بدون حضور مردان در ورزشگاه، دیدار سپاهان و پرسپولیس را در ورزشگاه نقش جهان به تماشا نشستند. دوشنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۳، ورزشگاه نقش جهان اصفهان به‌عنوان یک صحنه تاریخی، شاهد حضور ۵۰ هزار زن بود که برای تماشای دیدار حساس سپاهان و پرسپولیس گرد هم آمده بودند. این بازی به‌طور ویژه‌ای تنها با حضور تماشاگران زن برگزار شد.



تجربه‌ای فراموش‌نشدنی

حضور ۵۰ هزار زن در ورزشگاه نقش جهان، تجربه‌ای فراموش‌نشدنی و شگفت‌انگیز بود. از لحظه ورود به ورزشگاه، شور و هیجان در فضا موج می‌زد. زنان با پرچم‌ها و لباس‌های رنگارنگ، با صدای بلند شعار می‌دادند و فضای ورزشگاه را به یک جشن بزرگ تبدیل کردند. این بازی به‌طور ویژه‌ای برگزار شد، اهمیت دوچندانی پیدا کرد. پس از پایان بازی، واکنش‌ها مثبت بود. در شبکه‌های اجتماعی، هشتگ‌های مرتبط با این رویداد به سرعت در حال ترند شدن است و زنان از تجربیات خود در این روز تاریخی می‌نویسند. حضور ۵۰ هزار زن در ورزشگاه نقش جهان، نه تنها یک رویداد ورزشی، بلکه یک حرکت اجتماعی بزرگ است که می‌تواند به تغییرات مثبت در جامعه منجر شود.

«صدای ناقوس عصر جدید

در شام



مهدی تدینی

در پرسؤال‌ترین روزهای خاورمیانه به سرب می‌پریم؛ و طبع معمول یک سرب همه پرسش‌ها هم ما و سرب‌نویشت ماست. آنچه در ادامه می‌خوانید گمانه‌زنی‌هایی در باره آینده است. عجیب‌ترین اتفاقات در عرض دو—سه هفته رخ داد و به گمانم تاریخ خاورمیانه و نظم ژئوپلیتیک منطقه ورق خورد. بهترین عزمگاه برای تأملات گمانه‌زنانه درباره آینده این پرسشی است که چرا اسرائیل بی‌درنگ ساعاتی بعد از فرار اسد از دمشق شروع کرد به انهدام کامل توان نظامی سوریه؟ در طول حدود ۷۲ ساعت، بالغ بر هشتاد درصد توان نظامی سوریه منهدم شد. قطعاً این یکی از کم‌سابقه‌ترین اقدامات نظامی تاریخ عصر جدید است.

مردم سوریه از سال‌ها جنگ داخلی چنان زخمی‌اند که تا ندارند سرب بلند کنند و انهدام داشته‌هایشان را ببینند. فعلاً فقط برایشان مهم این است که اسد رفته است و دم را غنیمت شمرده‌اند. جولای هر روز بُعد جدیدی از زیرکی خود را نشان می‌دهد و در این برهه هوشمندانه فقط در پی اعتمادسازی در داخل و خارج است. اگر با همین فرمان پیش رود، از یک تروریست مخفی که برای سرش جایزه گذاشته بودند، به یکی از رهبران خورده‌اند، اسلام‌گرایی جهادی عرب سرانجام یک کشور را تصاحب کرد. کسانی که پانزده سال با ذکر «الله اکبر» در خواب و بیداری اسلحه در کف داشته‌اند، از این پس نیز جان می‌دهند، ولی دستاوردهان را از دست نمی‌دهند. پس اسلام‌گرایی جهادی را باید حاکمان جدید سوریه دانست و فقط می‌ماند اینکه چه قدر گرد‌ها را می‌توان تابع این سرب‌نویشت کرد. از این پرسش، می‌رسیم به عالیهانان اصلی

که تحریرال‌شام بازوی بلند آنها در شام است: دولت‌مردان ترکیه که برای اولین بار پس از یک قرن توانسته‌اند روح عثمانی را در شام زنده کنند.



بی‌دلیل نبود که اردوغان همین امروز یادآوری کرد قرن دوم ترکیه آغاز شده و بی‌تعارف یادآوری کرد حلب و حمص و دمشق تا همین پایان جنگ جهانی اول بخشی از ترکیه — عثمانی — بود. بگذارید یک فقره دیگر را هم ما اضافه کنیم: و نیز فلسطین، که البته امروز به دژ دولت یهود تبدیل شده است. روایت تاریخ تشکیل دولت یهود به واپسین سال‌های قرن نوزدهم برمی‌گردد. اگر یهودی‌ستیزی ایدئولوژیک در اروپا وجود نداشت، بی‌تردید ایده تشکیل دولت یهود هرگز راه به جایی نمی‌برد.

بهترین گواه برای این مدعا سرب‌نویشت تئودور هرتسل است؛ شاخص‌ترین پایه‌گذار صهیونیسم. هرتسل به دین یهودیت هیچ گونه دلبستگی نداشت و حتی در سال ۱۸۹۳ معتقد بود همه جوانان یهودی باید دسته‌دسته مسیحی شوند تا از محرومیت در امان بمانند؛ یعنی تا این حد به ادغام (آسیمیلانسیون) یهودیان در جوامع میزبان‌شان باور داشت. اما هرتسل که در پاریس خبرنگاری می‌کرد در جریان «ماجرای درفوس» نفرت از یهودیان — یعنی همان یهودی‌ستیزی سیاسی — را چشید و تغییر عقیده داد. در ۱۸۹۵ کتاب «دولت یهود» را نوشت و به پیشقراول تأسیس دولت یهود تبدیل شد.

اما صهیونیسم چیزی نبود مگر «ملی‌گرایی یهودی» که در واقع ررنوشتی از ملی‌گرایی اروپایی بود که آن زمان میل وافر به امپریالیسم پیدا کرده بود. به گمان هرتسل و سایر صهیونیست‌ها ملت یهود باید میهنی نمی‌دهند. پس اسلام‌گرایی جهادی را باید حاکمان جدید سوریه دانست و فقط می‌ماند اینکه چه قدر گرد‌ها را می‌توان تابع این سرب‌نویشت کرد. از این مابهایی که ماهیت و کشش هویتی

داشته باشند؛ یعنی دقیقاً جایی در فلسطین. آن زمان، اکثریت یهودیان، چه ارتدوکس و چه سکولار، ایده هرتسل را رد می‌کردند و فکر می‌کردند این منطقه باید در نظر گرفته شود.

این مرور گذرا را انجام دادم تا یادآوری کنم: تشکیل دولت یهود بیش و پیش از هر چیز منوط به شکست و فروپاشی امپراتوری عثمانی بود؛ آن هم به دست خونی‌ترین دشمن عثمانی، یعنی بریتانیا. تیر بریتانیا در نهایت به قلب پیرمرد رنجور سفره نشست و فرمانده متفقین شام را فتح کرد و عازم استانبول شد. انگلیسی‌ها همزمان عرب‌ها را هم ترغیب کردند در قالب قیامی پان‌عربی به رهبری رشید حسین، خادم‌الحریمین شریفین و امیر حجاز، علیه سلطان عثمانی به پا خیزند. پیرمرد تسفیر هنوز زنده بود که فرانسه و بریتانیا به میل خود گوشت پایین‌تنه عثمانی را شقه‌شقه برای خود بردند و سهمی هم برای فیصل و عبدالله هاشمی، فرماندهان قیام عربی، گذاشتند — البته نمی‌توان منکر تلاش این سرداران عرب برای کسب استقلال شد. از این زمان (۱۹۱۸) تا اعلام استقلال اسرائیل (۱۹۴۸) سال‌های پرفرازونشیب و پرمخازهای مهاجران یومی و مهاجران یهودی جریان داشت که از آن می‌گذریم.

از اینجا دوباره پل می‌زنیم به امروز: قلمرو او بود؛ و البته همه‌جا دست رد به سینه‌اش خورد. پیشنهاد هرتسل این بود که یهودیان پدهی‌های دولت عثمانی را رفع و رجوع کنند و سلطان‌خلیفه عثمانی در مقابل مجوز دهد یهودیان به فلسطین مهاجرت کنند. در دربار عثمانی گوش شنوایی برای هرتسل وجود نداشت. هرتسل عمر چندانیکرد و در چهل‌وپه‌ار سالگی آرزوهایش را برای نسل‌های بعدی صهیونیست گذاشت و خود رخت از جهان برست.

با شروع جنگ جهانی اول بخشی از صهیونیست‌ها امیدشان به اتحاد آلمان و عثمانی بود تا بتوانند حاکمان این دو امپراتوری را متقاعد کنند خاکی به آنها دهند. اما عثمانی معروف شده بود به «پیرمرد بیمار تسفر» و سرمای مرگ عملاً نیمی از بدنش را خشک کرده بود. بنابراین، برای به دست آوردن خاک می‌شد به بریتانیا هم امید بست. همین تکاپوها به پیدایش سند موسوم به «اعلامیه بالفور» منجر شد. سندی که نطفه دولت یهود در آن بسته شد. آرد بالفور، وزیر خارجه بریتانیا، در واپسین سال جنگ جهانی اول در نامه‌ای به «آرد روتشیلد عزیز»اش قول

اسلامی ایران در سوریه و برای فلسطین انجام می‌داد. فلسطین به مسئله عثمانی‌گرایان — اسلام‌گرایان ترکیه تبدیل می‌شود و احتمالاً نقش ایران در مسئله فلسطین به حدی رنگ می‌بازد که اسرائیل در سیاست‌های کلان خود نسبت به ایران بازنگری اساسی کند.

همان‌طور که زمانی اسرائیل یا کل جهان عرب درگیر بود و رفته‌رفته عرب‌ها یک به یک سر در گریبان کشور خود بردند و پس از انقلاب ۵۷ جمهوری اسلامی به هماورد اصلی اسرائیل بدل شد، به مرور ترکیه جایگزین ایران می‌شود و به ردیف اول رویارویی با اسرائیل می‌رسد. اسلام‌گرایی همچنان یک ظرفیت بسیار بزرگ در کشورهای عربی است و با رهبری جولانی و پشتیبانی ترکیه بعید نیست هسته‌های مشابه در منطقه شکل بگیرد — و البته تنها کشور خاورمیانه که از پایین و به لحاظ اجتماعی در مسیر سکولاریسم حرکت می‌کند، ایران است.

همه اینها یعنی سقوط اسد و سجده شکر جولانی در میدان ورودی دمشق — آغاز عصر جدیدی است. حال می‌توان فهمید انهدام تأسیسات نظامی سوریه به دست اسرائیل «صدای ناقوس آغاز» این عصر جدید بود. شاید بپرسید اگر قرار است جولانی سردار پیشناز عثمانی در شام باشد، چرا ترکیه به نابودی تأسیسات نظامی سوریه واکنشی نشان نداد؟ دلیل آن روشن است؛ اولاً نباید به این زودی رو بازی کرد؛ ثانیاً هر چه سوری‌ها در این مرحله ندرارت باشند، بیشتر وابسته ترک‌ها خواهند شد. هر پیچی که ترک‌ها در سوریه سفت کنند، جایگاه خود را تحکیم کرده‌اند — برای ترکیه ساختن نیروی هوایی در سوریه کار چندان سختی نیست.

اسرائیل هم که می‌داند عصر جدید و هماورد تازه‌نفسی از راه رسیده است، با قدری پیشروی در خاک سوریه پیش از سوت آغاز نبرد یک پیروزی برای خود کسب کرد و با انهدام توان نظامی سوریه هم کار ترکیه را پیشاپیش سخت کرد و هم چندین سال زمان خرید. خلاصه اینکه آنچه اسرائیل در سوریه کرد، دقیقاً همان کاری است که در غزه کرده است؛ فقط اینکه در سوریه توان نظامی حماسی را نابود کرد که هنوز تشکیل نشده است. از طرف دیگر، همه اینها باعث خواهد شد قیمت ایران برای گرد‌ها و یهودیان بالاتر رود؛ البته به شرطها و شروطها.

بیانیه‌ی جدید بشار اسد، آیا بشار قصد ماندن داشت؟

داوود حشمتی

◆ یک هفته بعد از سقوط اسد در سوریه، متنی در یک کانال تلگرامی منتشر به او منتشر شد که ترجمه آن را رجانپوز در ایران منتشر کرده است. براساس آنچه منتشر شده بشار اسد تلاش کرده تا عنوان کند که پروژه ای برای فرار از سوریه نداشته و خروجش از دمشق ناگهانی صورت گرفته است. ◆ این ادعا از یک طرف تایید کننده جریانی است که اخیراً توسط رویترز و نیویورک تایمز منتشر شده بود اما در عین حال تناقضاتی هم در این ادعا دیده میشود.

◆ بشار اسد در این بیانیه کوتاه نوشته است که «در جریان حوادث سوریه حتی یک بار هم به احتمال استعفا و فرار فکر نکرده است.» او تاکید کرده که «تا ساعات اولیه صبح روز یکشنبه ۸ دسامبر در دمشق ماندم و مسئولیت‌هایم را پیگیری کردم. اما با گسترش تروریسم به داخل دمشق، با هماهنگی دوستان روس به لاذقیه رفتم تا از آنجا نبرد را پیگیری کنم. صبح هنگام ورود به پایگاه جمیم، مشخص شد که همه نیروها از تمامی خطوط نبرد عقب‌نشینی کرده‌اند و آخرین مواضع سقوط کرده است.»

◆ واقعیت این است که نه در یک پایگاه بلکه در تمام پایگاه های متعلق به ارتش سوریه، مقاومتی در حمایت از اسد صورت نگرفت. از سوی دیگر با توجه به اطلاعاتی که وزیر خارجه ترکیه در اختیار رسانه ها قرار داد، مشخص میکرد که حتی ایران و روسیه هم قانع شده بودند که اسد به پایان خود رسیده و از همین رو آنها هم وارد درگیری نشدند. همچنین خروج کامل نیروهای ایرانی به سرعت از سوریه نشان از یک توافق و برنامه ریزی دارد. در غیر این صورت احتمالاً باید شاهد دستگیری نیروهای ایرانی به دست تسخیر کنندگان دمشق بودیم. اما از سوی دیگر حرفهای اسد با اطلاعاتی که قبلاً منتشر شده بود از یک جنبه قابل تطبیق است.

◆ آنهام از این جنبه بود که اسد تا آخرین لحظات در دفتر کار خود حاضر بود. اسد به کارمندان گفته بود که به منزل مهروء، اما مستقیم به فرودگاه رفت.

◆ گزارش رویترز مدعی است اسد قبل از خروج از دفتر کارش به مشاور رسانه ای خود گفته بود که به منزل او بیاد تا روی سخنرانی او کار کنند، اما مشاور رسانه ای وقتی به منزل اسد دیده بود که خانه خالی و حتی غذا دست نخورده باقی مانده و آلبوم های عکس هم رها شده است.

◆ همچنین محمد جلالی، آخرین نخست وزیر اسد، خبر داده بود که شنبه شب ساعت ۱۰:۳۰ شب با رئیس جمهور و قتش تلفنی صحبت کرده است.

◆ او به تلویزیون العربیه گفته بود: «در آخرین تماس‌مان، به او گفتم که وضعیت چقدر سخت است و جایه‌جایی عظیمی (مردم) از حمص به سمت لاذقیه وجود دارد... وحشت و وحشت در خیابان‌ها وجود دارد». جلالی افزوده بود: «اسد پاسخ داد: فردا خواهیم دید. "فردا، فردا" آخرین چیزی بود که به من گفت.»

◆ با این حال به نظر میرسد اسد یاران نزدیک خود را رها کرده بود. سه دستیار اسد به رویترز گفته بودند که حتی ماهر اسد برادر کوچکتر اسد و فرمانده لشکر زرهی زنبه ارتش هم از برنامه فرار اسد بی‌خبر بود. به گفته یکی از این منابع، برادر اسد وقتی از فرار او مطلع میشود با یک هلی کوپتر به عراق و از آنجا به روسیه می‌رود.

◆ همچنین گزارشها حکایت از آن دارد که «اسما» همسر اسد و سه فرزند او از قبل در مسکو مانده بودند و منتظر او بودند.

◆ هادی البجرا، رئیس اپوزیسیون اصلی سوریه در خارج از کشور، به نقل از یک منبع در حلقه نزدیک اسد و یک مقام منطقه ای، گفته بود که اسد واقعیت وضعیت را به دستیاران خود در کشور منتقل نکرده بود.

◆ البجرا گفته بود که حتی اسد «پس از سفر اول به مسکو به فرماندهان و همکارانش گفت که پشتیبانی نظامی در راه است.» این درحالی بود که او رسماً به آنها دروغ گفته بود چون مسکو به او جواب منفی داده بود.

◆ به نظر میرسد اسد تلاش می‌کند تا به نیروهایی که در داخل سوریه باقی ماندند اعلام کند که آنها را رها نکرده اما دلیل قانع کننده ای برای خود ندارد.(**امتداد**)

احضار حسن فتحی و محمدرضا

علیمردانی به ساترا



در جدیدترین جلسه شورای صدور مجوز انتشار ساترا، دو سربال جدید بررسی شدند.

در جدیدترین جلسه شورای صدور مجوز انتشار ساترا، اعلام شد سربال «آزایل» حسن فتحی با اعمال اصلاحات جزئی و با دریافت مجوز از هفته آینده از شبکه نمایش خانگی منتشر می‌شود.

به گزارش ایسنا به نقل از روابطعمومی سازمان تنظیم مقررات رسانه های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی (ساترا)، در جدیدترین جلسه شورای صدور مجوز انتشار ساترا، دو سربال جدید بررسی شدند؛ یکی از آنها سربال حسن فتحی است که به زودی توسط نماوا منتشر خواهد شد و دیگری برنامه‌ای با عنوان «انجمن اشباح» به اجرا و کارگردانی محمدرضا علیمردانی است که فیلم‌ت قصه تولید آن‌ا دارد. ابتدا حسن فتحی با سربال جدید خود برای دریافت مجوز انتشار به جلسه آمد. قرار است این سربال در هفته‌های آتی از نماوا پخش شود. فتحی به عنوان کارگردان و حسن خدادادی در مقام تهیه‌کننده در جلسه حضور داشتند و به گفته برخی از اعضای شورا، تعامل خوب در حوزه محتوایی اتفاق افتاد و مقرر شد مجوز انتشار سربال با اعمال برخی اصلاحات جزیی صادر شود. داستان این سربال در فضایی رازآلود و معمایی می‌گذرد.

همچنین یک اثر غیرنمایشی هم در جلسه شورای صدور مجوز انتشار مطرح شد. تهیه‌کننده، کارگردان و میزبان آن، محمدرضا علیمردانی بود. او به همراه نماینده فیلم‌ت به جلسه آمد و توانست با توضیح فضا و اتمسفر برنامه جدید خود با عنوان «تجمن اشباح»، نظر کلی و مثبت اکثریت اعضای شورای صدور مجوز را جلب کند.